



دانشگاه باقر العلوم  
(مهر دولتی - مهر تخصصی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

# مناسبات جنبش مشروطیت

## و فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

جناب دکتر لکزایی

استاد مشاور:

آیت الله شریعتمداری

نگارش:

تقی نامور

۱۳۹۰



# بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه باقر العلوم  
(مهر دولتی - مهر تخصصی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

**مناسبات جنبش مشروطیت**

**و فقه سیاسی شیعه**

استاد راهنما:

جناب دکتر لکزایی

استاد مشاور:

آیت الله شریعتمداری

نگارش:

تقی نامور

۱۳۹۰

صورت جلسه دفاعیه پایان نامه

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای تقی نامور دانشجوی رشته علوم سیاسی به شماره دانشجویی ۸۸۱۵۸۱۳۸ با عنوان: «مناسبات جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه» با حضور هیأت داوران دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در تاریخ ۹۰/۱۱/۱۱ برگزار شد، نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد.

○ غیر قابل قبول

☑ قبول با درجه: « بسیار خوب » نمره: « ۱۸/۵ »

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	دانشیار	نجف لک زایی	استاد راهنما
	استاد یار	سید نورالدین شریعتمدار	استاد مشاور
	استاد یار	سید محمد تقی آل غفور	نماینده تحصیلات تکمیلی

احمد احسانی  
مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی  
امضاء

سید سجاد آل غفور  
کارشناس امور پایان نامه  
امضاء

ماده ۲۰: پایان نامه توسط هیأت داوران در پنج درجه ارزشیابی شده و به هر درجه نمره ای تعلق می گیرد.

۱- نمره ۲۰ تا ۱۹	عالی	۲- نمره ۱۸/۹۹ تا ۱۸	بسیار خوب
۲- نمره ۱۷/۹۹ تا ۱۶	خوب	۴- نمره ۱۵/۹۹ تا ۱۴	قابل قبول
		۵- نمره کمتر از ۱۴	غیر قابل قبول

## تقدیم به:

مادر گرامی‌ام که در تمام طول عمر غم‌خوار من بود و از آرامش خود گذشت تا بتوانم در آسایش، مراحل تحصیل را طی کنم و نیز همسر عزیزم که در راه تحصیل، همراه و یاورم بود و هست.

## تقدیر و تشکر:

در این جا بر خود لازم می‌دانم از اساتید گرامی و ارجمند گروه علوم سیاسی که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، از محضرشان بهره برده‌ام، سپاسگزاری کنم. مدیون دو تن از اساتید فرهیخته بوده‌ام، جناب دکتر لکزایی و حضرت آیت الله شریعتمدار؛ ایشان را صمیمانه سپاس می‌گزارم. در نوشتن این رساله دکتر سیدکاظم سیدباقری در تعیین موضوع این رساله کمک شایانی داشته‌اند؛ از ایشان نیز تشکر می‌کنم. در پایان بر خود لازم می‌دانم از یاری دوست گرامی ام‌آقای علی کوچکی تشکر کنم که در طول تحصیل مشوق من بودند و ورود من به عرصهٔ دروس غیرحوزوی را مدیون ایشانم؛ امیدوارم هر جا هستند، موفق و پیروز باشند.

## چکیده:

در سال ۱۲۸۵ ه. ش. قانون مشروطه به تصویب رسید. این قانون برآمده از مبارزاتی بود که جریان های فکری و دینی مختلف از آن ها حمایت می کردند. «مشروطه» پدیده ای سیاسی بود که با پشتوانه های یادشده بر حوزه های مختلفی از تأملات سنتی در جامعه ایران، تأثیر نهاد. از سوی دیگر، این پدیده در فضای سیاسی ایران، از پارمترهای مختلفی نیز متأثر بوده است.

مهم ترین حوزه اندیشه که مناسبات و تعاملات عمیقی با مشروطه دارد، فقه سیاسی شیعه است. تعیین حدود و ثغور این تأثیر و تأثر (میان فقه سیاسی شیعه و مشروطیت)، نیازمند تأملات و پژوهش های مختلفی است. پژوهش حاضر بر آن است تا در این باب، به بحث و بررسی بپردازد. در رساله پیش رو، تلاش شده به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که «مناسبات جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه چیست؟» برای پاسخ اجمالی به این سؤال، رساله حاضر از سه فصل تشکیل شده است.

در فصل اول به مفاهیم و در فصل دوم و سوم به هم گرایی و واگرایی جنبش مشروطیت با فقه سیاسی شیعه می پردازیم.

روشی که برای نگارش این رساله در پی گرفته شده، روش توصیفی و تحلیلی است. در این تحقیق تمام تلاش بنده بر آن بود که نشان دهم تفاوت نظری میان علما به مبانی ای آنان باز می گردد که هر یک از این دو گروه داشته اند؛ و به هیچ وجه، به فضای جغرافیایی مربوط نمی شود و فضای جغرافیایی باعث چنین تفاوت دیدگاهی نشده است.

کلمات کلیدی: فقه، سیاست، فقه سیاسی، مشروطه و مشروعه.



## فهرست مطالب

بیان مسأله .....	۱
فصل اول: مفاهیم مشروطه، مشروعه و فقه سیاسی شیعه .....	۵
گفتار اول: مفهوم فقه سیاسی .....	۶
الف: تعریف فقه .....	۶
ب: تعریف سیاست .....	۷
ج: تعریف فقه سیاسی .....	۸
گفتار دوم: مفهوم مشروطه .....	۱۰
الف: خاستگاه لغت «مشروطه» .....	۱۰
ب: ویژگی‌های نظام مشروطه .....	۱۲
گفتار سوم: مفهوم مشروعه .....	۱۵
فصل دوم: همگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه .....	۱۶
گفتار اول: مبانی مشروطیت از دیدگاه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی .....	۱۷
الف: زندگی علمی - سیاسی آخوند خراسانی .....	۱۸
ب: آرای فقهی - سیاسی آخوند خراسانی .....	۲۰
ج: آخوند و نظام سیاسی مشروطه .....	۲۳
د: فتاوا و آرای آخوند .....	۲۴
۱- تأیید و حمایت از مصداق مجلس شورای ملی در جواب سؤال علمای تهران .....	۲۵
۲- اهداف مجلس و اغراض شخصی مخالفان مشروطه .....	۲۵
۳- حکم تبعید شیخ فضل‌الله نوری به پیشنهاد سیدین بهبهانی و طباطبایی .....	۲۶
۴- لزوم موافقت و حرمت مخالفت با مصداق مجلس شورای ملی .....	۲۶
۵- حمایت آگاهانه از مشروطیت حکومت به مثابه یکی از ضروریات اسلامیه .....	۲۷
۶- درباره مسئله مشروطیت .....	۲۸
گفتار دوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ محمدحسین نائینی .....	۲۹
الف: زندگینامه .....	۲۹
ب: فعالیت‌های سیاسی .....	۳۱
ج: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ محمدحسین نائینی .....	۳۲

- ۱- ضرورت قیام حکومت به وسیله مردم ..... ۳۲
- ۲- اقسام حکومت ..... ۳۳
- ۲-۱ سلطنت تملیکیه ..... ۳۳
- ۲-۲ سلطنت ولایتیه ..... ۳۴
- ۳- دلایل مشروعیت مشروطه از دیدگاه نائینی ..... ۳۵
- ۳-۱ - وجوب امر به معروف و نهی از منکر ..... ۳۵
- ۳-۲ - نیابت فقها در عصر غیبت ..... ۳۶
- ۳-۳ - لزوم محدود کردن حاکمان ..... ۳۶
- ۴- شرایط و وظایف نمایندگان مجلس مشروطه ..... ۳۸
- الف: شرایط نمایندگان مجلس مشروطه ..... ۳۸
- ب: وظایف نمایندگان مجلس مشروطه: ..... ۳۸
- ۵- قوای محافظ حکومت استبدادی و راه‌های غلبه بر آن قوا ..... ۴۰
- الف: قوای حافظ استبداد ..... ۴۰
- ب: راه‌های علاج قوای استبداد ..... ۴۱
- د: پاسخ به شبهات ..... ۴۲
- ۱- آزادی ..... ۴۲
- ۲- مساوات ..... ۴۳
- ۳- قانون اساسی ..... ۴۳
- ۴- هیئت نظار و مجلس شورای ملی ..... ۴۴
- ۴-۱- مداخله امت در امر امامت: ..... ۴۴
- ۴-۲- دخالت مردم در امور حسبیه: ..... ۴۴
- ۴-۳- بدعت بودن اعتبار رأی اکثریت ..... ۴۵
- گفتار سوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ محمد اسماعیل محلاتی** ..... ۴۷
- الف: زندگینامه شیخ محلاتی ..... ۴۷
- ب: نظام سیاسی مطلوب از منظر مجتهد محلاتی ..... ۴۹
- ج: انواع نظام‌های سیاسی ..... ۵۱
- ۱- سلطنت مطلقه ولایتیه ..... ۵۲
- ۲- سلطنت مطلقه استبدادیه ..... ۵۳
- ۲-۱- اخذ خراج و مالیات ..... ۵۳
- ۲-۲- مناقشه در اصل قانون ..... ۵۴
- ۲-۳- طمع کاری کارگزاران ..... ۵۴
- ۲-۴- دادگری حکومت ..... ۵۵

- ۵-۲ حمایت از اتباع ایرانی در خارج از کشور..... ۵۶
- ۳- سلطنت مشروطه..... ۵۶
- د: ترسیم نظام مشروطه..... ۵۸
- ۱- ضرورت تشکیل نظام مشروطه..... ۵۸
- ۲- مجلس شورا و کارکرد آن..... ۵۹
- ۳- میزان مشروعیت دخالت فقیهان و نمایندگان مردم در امور عام سیاسی..... ۶۲
- ۴- آزادی در نظام مشروطه..... ۶۴
- ه: پاسخ به شبهات..... ۶۶

### گفتار چهارم: مبانی مشروطیت از دیدگاه میرزا حسین خلیلی تهرانی..... ۷۳

- الف: زندگینامه..... ۷۳
- ب: میرزا حسین خلیلی تهرانی و سیاست..... ۷۵
- ج: آرا و فتاوی مرحوم میرزا خلیلی در مشروطیت..... ۷۷
- ۱- حکم به ارتداد میرزا علی اصغر خان اتابک (صدراعظم)..... ۷۸
- ۲- حکم خلع ید از مسیو نوز بلژیکی..... ۷۸
- ۳- لزوم موافقت با مطالبات شرعیه ملت..... ۷۹
- ۴- لزوم اهتمام در استحکام و تشدید مجلس شورای ملی..... ۷۹
- ۵- رجحان عقلی و شرعی و عرفی بلکه وجوب مجلس شورای ملی..... ۸۰
- ۶- اهتمام در تشدید مشروطیت در حکم جهاد در رکاب امام زمان (عج)..... ۸۱
- ۷- آخرین اتمام حجت با شاه قبل از صدور حکم جهاد..... ۸۱
- ۸- حکم تاریخی جهاد علیه ولایت جائز..... ۸۲

### فصل سوم: واگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه..... ۸۴

#### گفتار اول: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ فضل الله نوری..... ۸۵

- الف: زندگینامه شیخ فضل الله نوری..... ۸۶
- ب: مبارزات و مواضع سیاسی شیخ در جریان تنباکو..... ۸۷
- ج: بررسی نهضت مشروطه و مواضع شیخ فضل الله نوری..... ۸۸
- د: نقش شیخ فضل الله در تدوین متمم قانون اساسی..... ۹۵
- ه: علت رویکرد اولیه و عقب نشینی شیخ از نهضت مشروطه..... ۹۶
- و: مفاهیم مشروطه از دیدگاه شیخ فضل الله..... ۹۹
- ۱- قانون مساوات..... ۹۹
- ۲- آزادی..... ۱۰۰
- ۳- قانون اسلام..... ۱۰۲

۴- اکثریت آرا ..... ۱۰۳

گفتار دوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه محمدکاظم طباطبایی  
یزدی ..... ۱۰۵

الف: زندگینامه ..... ۱۰۵

ب: مبارزات سیاسی ..... ۱۰۷

۱- تأسیس «شرکت اسلامیه» و مبارزه با وابستگی اقتصادی ..... ۱۰۷

۲- فتوا در جهاد با استعمار غربی ..... ۱۰۸

ج: مشروطه از دیدگاه سید محمدکاظم طباطبایی یزدی ..... ۱۱۰

۱- دوره عدالت‌طلبی ..... ۱۱۱

۲- دوره مشروطه‌خواهی ..... ۱۱۱

۳- دوره مشروعه‌خواهی ..... ۱۱۲

د: بازتاب حمایت سید از جنبش مشروعه ..... ۱۱۴

جمع‌بندی ..... ۱۱۶

نیروهای درگیر در انقلاب مشروطه ..... ۱۱۷

منابع و مآخذ: ..... ۱۲۸

## بیان مسأله

در سال ۱۳۸۵ ه. ش. قانون مشروطه به تصویب رسید. این قانون برآمده از مبارزاتی بود که جریان های فکری و دینی مختلف از آن ها حمایت می کردند. «مشروطه» پدیده ای سیاسی بود که با پشتوانه های یادشده بر حوزه های مختلفی از تأملات سنتی در جامعه ایران، تأثیر نهاد. از سوی دیگر، این پدیده در فضای سیاسی ایران، از پارمترهای مختلفی نیز متأثر بوده است.

مهم ترین حوزه اندیشه که مناسبات و تعاملات عمیقی با مشروطه داشت، فقه سیاسی شیعه است. تعیین حدود و ثغور این تأثیر و تأثر (میان فقه سیاسی شیعه و مشروطیت)، نیازمند تأملات و پژوهش های مختلف است. پژوهش حاضر بر آن است که در این باب، به بحث و بررسی بپردازد.

بی تردید «فقه» به عنوان دانش ناظر بر رفتار مکلفان نمی تواند فارغ از حوادث و رخدادهایی باشد که می توانند در هر عصری ظهور یابند. از آن جا که جنبش مشروطیت از سرچشمه های مختلفی از جمله «اندیشه های فلسفی - سیاسی غرب» بهره داشت و در حیات سیاسی جامعه ایران در یکصد سال گذشته به شدت تأثیرگذار بود، لازم است بررسی کنیم که تأثیر و تأثر این پدیده در فقه و در برداشتها و اندیشه های فقیهان این دوره، تا چه اندازه و به چه شکلی بوده است.

### اهمیت و فایده تحقیق

فقه سیاسی شیعه، در بازه زمانی یکصد سال پس از مشروطه، پذیرای آرا و نظرات مختلف بوده است.

اهمیت این پژوهش در آن است که روشن کنیم تأثیرات جنبش مشروطه بر فقه سیاسی شیعه و بالعکس، چه بوده است.

یکی از فواید این بحث، آن است که بر اختلاف مبانی آرای متفاوت فقها در این دوره زمانی نسبت به پدیده مشروطه نیز وقوف می‌یابیم. با توجه به این نکته، درمی‌یابیم آن دسته از تحلیل‌ها که اختلاف آرای فقها در باب مشروطه را به شرایط جغرافیایی و سیاسی روزگار آنان فرو می‌کاهند، از جایگاه علمی دقیقی برخوردار نیستند.

### سابقه تحقیق

دیدگاه‌های عمده‌ای که در این زمینه به نگارش در آمده، عمدتاً به مسائل حاشیه‌ای و تحلیل‌هایی با سوگیری سیاسی معطوف بوده است. چنین نگرشی می‌تواند باعث تحریف در فهم جریان‌های فکری و تأملات فقهی در این باب شود. این پژوهش در صدد است تا با نگرشی بی‌طرفانه و با توجه به مبانی اندیشه‌های طرح‌شده در این حوزه، اشکالات یادشده را برطرف کند.

### اهداف تحقیق

هدف این تحقیق، بررسی تحلیلی مناسبات فقه سیاسی و جنبش مشروطه بدون جانبداری یا جهت‌گیری خاص است. در این رساله می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم که اختلافات فقها در مشروطه، به مباحث جغرافیایی مربوط نمی‌شود، بلکه اختلاف دیدگاه‌های علما به مبانی آنان برمی‌گردد. این تحقیق با بررسی کمبودها و اشکالات، تحلیل‌های موجود از مناسبات یادشده را روشن می‌کند.

### سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

#### سؤال اصلی

مناسبات جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه چیست؟

#### سؤالات فرعی

مفاهیم «مشروطه»، «مشروع» و «فقه سیاسی» به چه معانی‌ای به کار رفته است؟

همگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه، چگونه بوده است؟

واگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه، چگونه بوده است؟

### فرضیه های تحقیق

دو پدیده فقه سیاسی و جنبش مشروطه، بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند.

اختلاف آرای فقها در عصر مشروطه، تابع مبانی نظرات ایشان بوده است و نه برآمده از

شرایط سیاسی یا جغرافیایی خاص.

### پیش فرض های تحقیق

فقه سیاسی و فقهای شیعه، با توجه به مبانی خود از شرایط مختلفی در اخذ آرای تأثیر

می پذیرند.

یکی از شرایط و پدیده های تعیین کننده در عصر حاضر، جنبش مشروطه بوده است؛

بنابراین شرایط به وجود آمده در عصر مشروطه، بر آرای سیاسی فقیهان شیعه، تأثیر عمیقی

داشته است.

### روش تحقیق

روشی که برای نگارش این رساله در پی گرفته شده، روش توصیفی و تحلیلی است.

### سازمان دهی تحقیق

این تحقیق از سه فصل تشکیل شده است:

فصل اول: مفاهیم

گفتار اول: فقه سیاسی؛

گفتار دوم: مشروطه؛

گفتار سوم: مشروطه مشروعه.

فصل دوم: همگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه

گفتار اول: مبانی مشروطیت از دیدگاه آخوند خراسانی؛

گفتار دوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ محمدحسین نائینی؛

گفتار سوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ محمد اسماعیل محلاتی؛

گفتار چهارم: مبانی مشروطیت از دیدگاه میرزا حسین خلیلی تهرانی.

فصل سوم: واگرایی جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه

گفتار اول: مبانی مشروطیت از دیدگاه شیخ فضل الله نوری؛

گفتار دوم: مبانی مشروطیت از دیدگاه محمدکاظم طباطبایی یزدی.



## فصل اول:

### مفاهیم مشروطه، مشرعه و فقه سیاسی شیعه

در این فصل، به مباحث مقدماتی‌ای می‌پردازیم که لازمه بحث درباره مناسبات جنبش مشروطیت و فقه سیاسی شیعه است. قبل از ورود به بحث، دانستن مباحثی از قبیل مفاهیم فقه سیاسی، مشروطه و مشروعیت، لازم و ضروری است.

### گفتار اول: مفهوم فقه سیاسی

نخستین واژه‌ای که باید به آن بپردازیم، فقه سیاسی است. در این زمینه ابتدا به تعریف واژه «فقه» و «سیاست» پرداخته، سپس تعریفی از فقه سیاسی ارائه می‌دهیم.

#### الف: تعریف فقه

واژه «فقه» در لغت به معنای فهمیدن و درک کردن آمده است. «تفقه» بر وزن تجسس نیز به معنای تلاش و کاوش برای فهمیدن و دریافتن است. بنا بر این معنا، در لغت به شخص دانا و فهمیده، «فقیه» می‌گویند و متفقه نیز کسی است که به دنبال کسب فهم و آگاهی و معرفت باشد.<sup>۱</sup>

فقیه بر اساس معنای اصطلاحی، کسی است که در آن علم، صاحب نظر و دارای مبنای فتوایی باشد. علمای اسلام، علم فقه را چنین تعریف کرده‌اند: «فقه عبارت است از علم و شناخت به احکام شرعی فرعی که از دلیل‌های تفصیلی به دست آمده‌اند.» آن دلایل از منابع فقه به دست می‌آیند و این منابع شامل کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. ابوالفضل شکوری: فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۷۷، ص ۵۰.

۲. حسن بن زین‌الدین شهید ثانی: معالم الدین، به اهتمام مهدی محقق، ص ۱.

یعنی فقیه کسی است که قوانین حقوقی، عبادی، اجتماعی، سیاسی، احکام اسلامی؛ نظام معاشرتی، معیشتی و نظامی اسلام را با دلایل هر یک از آنها بداند و بشناسد، و خود این مجموعه قوانین و احکام نیز فقه نامیده می‌شود.

فارابی فقه را علمی می‌داند که با آن می‌توان از معلومات شرعی، مجهولات را استنباط کرد.<sup>۱</sup>

## ب: تعریف سیاست

کلمه «سیاست» از ریشه «سوس و ساس» گرفته شده است؛ به معنای تأدیب و تربیت و نیز سرپرستی امور است. البته به معنای تنظیم و سرپرستی جانداران نیز آمده است.

«سائس» که جمع آن «ساسه» است، شخص تأدیب و تربیت کننده را می‌گویند و تعریف آن چنین است: «سیاست عبارت است از: همت گماشتن به اصلاح مردم با ارشاد و هدایت آنان به راهی که در دنیا و آخرت، موجب رهایی و نجاتشان گردد.»<sup>۲</sup>

به تعبیر، دیگر سیاست کشوری تدبیر و تنظیم برنامه زندگی و معیشت و اقتصاد مردم بر اساس قسط و عدالت است. بر اساس این تعریف، سیاستمدار کسی است که برای ارشاد و نجات دنیوی و اخروی مردم کوشا بوده، بر اساس شیوه‌های عدل و قسط تدبیر معاش نماید.

این تعریف را اسلام می‌پذیرد و در واقع تعریف اسلامی سیاست همین است و هر تفسیر و برداشت دیگری از آن، برداشتی انحرافی خواهد بود. در زیارت «جامعه کبیره»، ائمه ما با عنوان «ساسه العباد» - یعنی سیاستمداران مردم و مرشدان و هادیان خلق - خطاب شده‌اند.

امام علی<sup>۷</sup> در نهج البلاغه، در رد تصور و پندار کسانی که گمان برده بودند معاویه از امام علی سیاستمدارتر و زیرک‌تر است، می‌فرماید: «به خدا سوگند! معاویه هرگز از من

۱. ابونصر محمد فارابی، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، ص ۶۹.

۲. رشید شرتوتی، اقرب الموارد، ذیل کلمه سوس.

زیرک‌تر و سیاستمدارتر نیست، اما او بر اساس غدر و فجور عمل می‌کند و حيله‌گری و نیرنگ در صحنه سیاست را جایز می‌شمارد. اگر نبود زشتی و قباحت و کراهت غدر و نیرنگ، البته که من سیاستمدارترین مردم بودم، و لیکن هر غدر و حقه‌ای گناه و جزو فجور، و هر گناهی نیز نافرمانی و کفرآور است. برای تمامی کسانی که اهل غدر و حيله باشند، در قیامت پرچمی است که با آن شناخته می‌شوند. به خدا سوگند! من هرگز غافلگیر نمی‌گردم که درباره‌ام غدر و حيله کنند و مکر به کار برند و من هرگز در سختی و گرفتاری، عاجز و ناتوان نمی‌شوم.<sup>۱</sup>

### ج: تعریف فقه سیاسی

فقه سیاسی، جزئی از علم فقه است و پسوند سیاسی در اصطلاح فقه سیاسی، بیانگر این است که همه مباحث فقهی مورد نظر نیست، بلکه آن دسته از مباحث فقه محل بحث است که به حوزه سیاست ارتباط دارد.

فقه سیاسی، مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی‌ای است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمانان با خودشان و ملل دیگر عالم، بر اساس مبانی قسط و عدل است که تحقق فلاح و آزادی و عدالت را فقط در سایه توحید، عملی می‌داند.<sup>۲</sup>

عمید زنجانی آن را بر اساس موضوعات و مباحث تعریف می‌کند؛ به نظر ایشان «در فقه مباحثی درباره جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حربه، امامت و خلافت، نصب امرا و قضات، مأموران جمع‌آوری وجوهات شرعی، مؤلفه قلوبهم و دعوت به اسلام، جمعه و جماعات، آداب خطبه‌ها و برگزاری مراسم عید، صلح و قرارداد با دولت‌های دیگر، تولی و تبری، همکاری با حاکمان و نظایر آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است، که به آن‌ها احکام سلطانیه یا فقه سیاسی گفته می‌شود.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> . نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

<sup>۲</sup> . ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۷۷، ص ۷۶.

<sup>۳</sup> . عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۱.